

An Exploratory Study on the Narratives of Iranian Teenage Users About How and Why They Publish False and Fake Content

Iman Erfanmanesh¹, Mohammadjavad Ravi²

Received: 26 August 2024, Accepted: 05 September 2024

Doi: 10.22034/rcc.2024.2039083.1160

Abstract

The widespread dissemination of false information and disinformation on social media platforms has significantly contributed to social unrest, polarization, and erosion of trust in traditional institutions. This phenomenon, deeply rooted in cultural, social, and psychological factors, is a complex interplay of various elements. The need for social validation, peer group influence, cognitive biases, and flawed information processing mechanisms contribute to the spread and acceptance of false information. Research indicates that the psychological concept of confirmation bias plays a pivotal role in the dissemination of misinformation. Individuals are more likely to seek out and believe information that confirms their pre-existing beliefs, regardless of its accuracy. Moreover, the echo chambers created by social media algorithms can reinforce these biases, limiting exposure to diverse perspectives.

Knowing the cultural and communication contexts and designing strategies to deal with them seems to be a matter. The present study was conducted with the aim of identifying and analyzing the fields of research on the spread of real crimes among Iranian teenagers. Using the qualitative method and three-stage analysis (game, personality, selective) of semi-structured interviews, six main axes (family, friends, platforms, cultural values, opinion leaders, government) were identified.

The findings indicate that multiple and complex factors in this field combine to create the spread and acceptance of false information. These existing research in the cultural and communication fields come to the conclusion that neglecting these, as well as the occurrence of incorrect actions and omissions, can lead to the aggravation of the crisis in future events and the deepening of social gaps. In other words, in such a situation, values such as “woman, life, freedom” are more important as a symbol of resistance against this situation.

Keywords: Culture and communications, false content, social unrest, adolescents, social networks

-
1. Assistant Professor, The Faculty of Culture & Communications, Imam Sadiq University, Ph.D. of Cultural Sociology, Tehran, Iran. Email: i.erfan@isu.ac.ir  0000-0002-6566-0988
 2. Graduate student at the Faculty of Culture and Communication of Imam Sadiq University. Email: mj.ravi@isu.ac.ir

مطالعه‌ای اکتشافی درباره روایت کاربران نوجوان ایرانی از چگونگی و دلایل نشر محتوای خلاف واقع و جعلی

ایمان عرفان‌منش^۱، محمدجواد راوی^۲

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵، پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

DOI: 10.22034/rcc.2024.2039083.1160

چکیده

پراکندگی گسترده اطلاعات غلط و محتوای خلاف واقع در شبکه‌های اجتماعی، علاوه بر ایجاد آشوب‌های اجتماعی، به تفرقه‌افکنی، قطبی‌شدن افکار عمومی و تضعیف اعتماد به نهادهای رسمی دامن زده است. این پدیده، ریشه در عوامل فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی همچون نیاز به تأیید اجتماعی، تأثیرات گروه‌های همتا، سوگیری‌های شناختی و شیوه‌های نادرست ارزیابی اطلاعات دارد. شناخت دقیق زمینه‌های فرهنگی و ارتباطاتی و طراحی استراتژی‌های مؤثر برای مواجهه با آن، امری ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل زمینه‌های مؤثر بر انتشار محتوای خلاف واقع در میان نوجوانان ایرانی انجام شده است. با استفاده از روش کیفی و تحلیل سه مرحله‌ای (باز، محوری، گزینشی) داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، شش محور اصلی (خانواده، دوستان، سکوها، ارزش‌های فرهنگی، رهبران عقیده‌ساز، دولت) شناسایی شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که عوامل متعدد و پیچیده‌ای در تعامل با یکدیگر بر انتشار و پذیرش اطلاعات نادرست تأثیرگذارند. این پژوهش با تأکید بر خلأهای موجود در حوزه‌های فرهنگی و ارتباطی، به این نتیجه می‌رسد که غفلت از این کمبودها و همچنین بروز عملکردهای نادرست و ترک فعل‌ها، می‌تواند منجر به تشدید بحران در رویدادهای آتی و تعمیق شکاف‌های اجتماعی شود. به عبارت دیگر، در چنین شرایطی، ارزش‌هایی مانند "زن، زندگی، آزادی" به عنوان نمادی از مقاومت در برابر این وضعیت، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ و ارتباطات، محتوای خلاف واقع، ناآرامی‌های اجتماعی، نوجوانان، شبکه‌های اجتماعی

۱. دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران.
Email: i.erfan@isu.ac.ir  0000-0002-6566-0988

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: mj.ravi@isu.ac.ir

بیان مسئله

نشان دادند. این هیجانات، ناشی از تجربیات مجازی آنها و تأثیرپذیری از محتوای تولیدشده در شبکه‌های اجتماعی بود. با توجه به نقش محوری شبکه‌های اجتماعی در زندگی نوجوانان امروزی، اهمیت بررسی تأثیرات فرهنگی و ارتباطی انتشار محتوای خلاف واقع بر رفتارهای آنها به‌ویژه در حوزه کنشگری اجتماعی، بیش از پیش آشکار می‌شود.

استفاده از محتوای خلاف واقع در عصر دیجیتال، از مداخله در انتخابات به عنوان نقطه آغاز، به حوزه‌های مختلفی از جمله فرهنگ و اجتماع گسترش یافته است. نمونه بارز آن، ادعای دخالت روسیه در انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا است (آلکات، ۲۰۱۷). این محتوا نه تنها در انتخابات بلکه در شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی نیز نقش مؤثری ایفا کرده است.

اثرات و پیامدهای محتوای خلاف واقع صرفاً به پذیرش آنها توسط مخاطب محدود نمی‌شود، بلکه فرایندهای شناختی و اجتماعی پیچیده‌تری را درگیر می‌کند. حجم بالای محتوا در شبکه‌های اجتماعی، با ایجاد پدیده محتوای خلاف واقع، توانایی تفکر انتقادی مخاطب را تضعیف کرده و به سطحی‌نگری و گرایش به اطلاعات تأییدکننده دامن می‌زند (هدایتی، ۱۳۹۵). جهانی شدن، ظهور رسانه‌های اجتماعی و تسلط نسبی آمریکا بر زیرساخت‌های اینترنتی، در کنار تحولات فرهنگی-اجتماعی و مرجعیت کاذب افراد غیرمتخصص در شبکه‌های اجتماعی، بستر مناسبی را برای انتشار گسترده محتوای خلاف واقع و شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی فراهم آورده است. فقدان چارچوب قانونی مناسب و مکانیزم‌های نظارتی مؤثر، این مسئله را پیچیده‌تر کرده و به یکی از چالش‌های جدی جوامع معاصر تبدیل کرده است. محتوای خلاف واقع یکی از مهم‌ترین راهبردهای جنگ ترکیبی در عصر دیجیتال است و از این رو دشمن به جهت سیاه‌نمایی، رواج سطحی‌نگری، فسادنمایی، عوام‌فریبی، جریان‌سازی، تهیج افراد به انتشار محتوای خلاف واقع متوسل شده است. محتوای خلاف واقع با اشکال گوناگون و ویژگی‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود که با عناوین همچون خبر جعلی، شایعه، اطلاعات نادرست، اطلاعات غلط، اطلاعات جعلی، محتوای جعلی، دروغ، اطلاعات گمراه‌کننده و... شناخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، شاهد افزایش چشمگیر تولید و انتشار

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر محتوای خلاف واقع بر افکار عمومی و امنیت ملی در فضای مجازی ایران با اتخاذ «چشم‌اندازی راهبردی» انجام شده است. با توجه به اهمیت روزافزون شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی افکار عمومی و گسترش سریع اخبار جعلی و اطلاعات نادرست، این پژوهش به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر تولید و انتشار این محتوا، تحلیل تأثیرات آن بر جامعه و ارائه راهکارهای مقابله با این پدیده است. با بهره‌گیری از رویکردهای نظری در حوزه ارتباطات و مطالعات رسانه‌ای، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که چگونه محتوای خلاف واقع می‌تواند بر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد تأثیر گذاشته و در نهایت به تهدیدی برای امنیت ملی تبدیل شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و جامعه مدنی در جهت اتخاذ تدابیر مناسب برای مقابله با این چالش کمک کند.

با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی، تغییرهای نوظهور میان نسل‌های جدیدتر از نظر جامعه‌پذیری و تغییر گروه‌های مرجع در جریان است (عرفان منش، ۱۴۰۲: ۵). نمونه بارز آن در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ که حضور نوجوانان بسیار پررنگ بوده است، زیرا زیرساخت‌های فناوری در جهت اهداف صاحبان رسانه‌های اجتماعی قرار گرفته و باعث برجسته شدن محتوای پیشنهادی آنان در شبکه‌های اجتماعی شده است. محتوای خلاف واقع در کنار جنگ‌های شناختی و ترکیبی در پازلی قرار گرفته است که می‌تواند پیامدهای مخربی به دنبال داشته باشد. ترکیب محتوای خلاف واقع و تکنیک نفرت پراکنی و سیاه‌نمایی، منفی‌نگری و حضور ترول‌ها در شبکه‌های اجتماعی توانست در سال ۱۴۰۱ جوانان و نوجوانان را به خیابان بکشاند.

با توجه به مطالعات پیشین، از جمله کتاب «نوجوان دیجیتال و قدرت کنشگری»، عوامل خانواده، فناوری و شبکه‌های اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های کلیدی در شکل‌گیری کنشگری نوجوانان در فضای مجازی شناخته شده‌اند و تحولات نظری در حوزه رسانه‌ها نیز بر این کنشگری تأثیرگذار بوده است (صادقی فسائی، عرفان منش، ۱۳۹۸).

اگرچه برخی از نوجوانان درگیر در ناآرامی‌ها ممکن است تحت تأثیر انگیزه‌های خاص قرار گرفته باشند، اما بخش قابل توجهی از آنها تحت تأثیر محتوای غیرواقعی و قرار گرفتن در حباب‌های اطلاعاتی، رفتارهای هیجانی از خود

بر جنبش‌های اجتماعی؛ مطالعه جنبش‌های اعتراضی ایران (۱۳۹۸-۱۳۸۸)» (هرسیج و ربیعی‌نیا، ۱۴۰۲)، شبکه‌های اجتماعی مجازی در جریان اعتراضات سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، نقش محوری در هنجارسازی، بسیج و سازمان‌دهی معترضان و همچنین در ایجاد واکنش‌های میدانی ایفا کرده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی و تحلیل محتوا، نقش پررنگ شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های اعتراضی را نشان داده است (هرسیج و ربیعی‌نیا، ۱۴۰۲).

با توجه به گسترش اخبار جعلی و تهدیدات نرم رسانه‌های خارجی، پژوهش «نقش سواد رسانه‌ای در کاهش اخبار جعلی و راهبردهای مقابله با تهدیدات نرم رسانه‌های خارجی در ایران» با هدف بررسی نقش سواد رسانه‌ای در مقابله با این تهدیدات، به صورت کمی و با استفاده از پرسشنامه، بر روی دانشجویان علوم ارتباطات انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که اکثریت شرکت‌کنندگان بر اهمیت سواد رسانه‌ای در تشخیص اخبار جعلی و مقابله با تهدیدات نرم تأکید دارند (نوش‌آفرین، ۱۴۰۳).

سؤالات و هدف پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی دقیق و همه‌جانبه نقش عوامل فرهنگی و ساختارهای ارتباطی در پیدایش، گسترش و تأثیرات محتواهای خلاف واقع بر نسل نوجوان ایرانی در بستر رخدادهای پاییز ۱۴۰۱ انجام شده است. با تمرکز بر چگونگی سوءاستفاده از فضای مجازی برای انتشار محتوای خلاف واقع و مهندسی افکار عمومی در میان این گروه سنی، به عنوان درآمدی بر مطالعات نگاشت راهبردی (عرفان‌منش، ۱۴/۳) فضای مجازی ایران، در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. چه ابعاد فرهنگی و ارتباطی بر انتشار و گسترش محتوای خلاف واقع در شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذارند؟
۲. چگونه این محتواها بر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای نوجوانان ایرانی تأثیر گذاشته و چه پیامدهایی را برای آنان و جامعه در پی داشته است؟
۳. چه راهکارهای علمی و عملی برای مقابله مؤثر با انتشار محتوای خلاف واقع و ارتقای سواد رسانه‌ای در میان نوجوانان وجود دارد؟

محتوای خلاف واقع در فضای مجازی، به‌ویژه در میان نوجوانان ایرانی بوده‌ایم. اگرچه پژوهش‌های متعددی به بررسی این پدیده پرداخته‌اند، اما اغلب بر جنبه‌های فنی و تکنولوژیکی آن تمرکز داشته‌اند و کمتر به زمینه‌های فرهنگی و ارتباطی آن توجه شده است. این پژوهش با رویکردی تفسیری، به دنبال شناسایی و تحلیل زمینه‌های فرهنگی و ارتباطی است که منجر به شکل‌گیری و گسترش محتوای خلاف واقع در میان نوجوانان ایرانی می‌شود. با شناخت دقیق‌تر این زمینه‌ها، می‌توان به درک عمیق‌تری از چگونگی تأثیرگذاری این محتواها بر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای نوجوانان دست یافت.

پژوهش‌هاز سوی دیگر، پژوهش‌های دیگری نیز به بررسی راهکارهای مقابله با اخبار جعلی در رسانه‌های خبری و اجتماعی پرداخته‌اند. ساعی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «راهکارهای مقابله با اخبار جعلی در سازمان‌های خبری و رسانه‌های ایران» با استفاده از روش اسنادی و مصاحبه عمیق با متخصصان، شش مرحله کلیدی برای راهکارهای مقابله با اخبار جعلی را شناسایی کرده است: اقدامات پیشگیرانه، پایش، تعیین آستانه تحمل، تصمیم‌گیری، واکنش و ثبت تجربیات.

با توجه به پژوهش ساعی و همکاران (۱۳۹۹)، «ظهور «خبر جعلی» در «عصر پساحقیقت»؛ اهداف و پیامدها» اخبار جعلی با بهره‌گیری از شباهت‌های ظاهری به اخبار واقعی، مخاطبان را فریب داده و با اهداف مختلفی همچون ایجاد آشوب و دستکاری افکار عمومی منتشر می‌شود. این پژوهش نشان داده است که انتشار گسترده اخبار جعلی می‌تواند امنیت ملی، سلامت روان و تصمیم‌گیری‌های افراد را به خطر اندازد.

در موضوع حوادث سال ۱۴۰۱ با توجه به متأخر بودن مسئله، پژوهش‌های انجام شده در این حوزه هنوز بسیار محدود است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل عمیق رویدادهای سال ۱۴۰۱ و شناسایی ریشه‌های فرهنگی و ارتباطی آن، از روش تحلیل راهبردی PESTEL استفاده کرده است. با تمرکز بر مفاهیمی مانند جامعه‌پذیری، نقش سلبریتی‌ها و تأثیر شبکه‌های اجتماعی، این پژوهش به دنبال یافتن عوامل مؤثر در شکل‌گیری ناآرامی‌ها و ارائه راهکارهایی برای مقابله با آن است (عرفان‌منش، ۱۴۰۲). با توجه به پژوهش «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی

مبانی نظری

چهارچوب مفهومی

زمینه‌های فرهنگی به مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و نمادهای مشترکی اشاره دارد که اعضای یک جامعه یا گروه اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. این زمینه‌ها بر نحوه تفکر، احساس و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند (گریسولد، ۲۰۱۲). از سویی دیگر زمینه‌های ارتباطاتی فرآیندی پیچیده است که در آن اطلاعات، ایده‌ها و احساسات بین افراد یا گروه‌ها مبادله می‌شود. این فرآیند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند فرهنگ، زبان، روانشناسی و ... قرار دارد.

در پژوهش حاضر، زمینه‌های فرهنگی به عنوان مجموعه‌ای از عوامل در نظر گرفته می‌شود که بر نحوه درک و تفسیر نوجوانان از اطلاعات، از جمله محتوای خلاف واقع، تأثیر می‌گذارد. «زمینه» در معنای لغوی، به سطح، طرح، متن، نقشه و موقعیت هر چیزی (معین، ۱۳۸۶) یا اساس، سابقه و شالوده (دهخدا، ۱۳۷۳) و معنا شده است. در لغتنامه آکسفورد، واژه «background» به معنای «سابقه و پیشینه چیزی» و در لغتنامه مریام-وبستر (۲۰۰۲) به معنی «منظره یا زمین پشت چیزی» بیان شده است. محتوای خلاف واقع نیز به مطالبی دلالت دارد که به صورت عمدی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود از این رو در پژوهش جاری نیز منظور از «زمینه» طرح و بستر فرهنگی و ارتباطاتی انتشار محتوای خلاف واقع است و از این منظر مسئله زمینه‌های فرهنگی و ارتباطاتی انتشار محتوای خلاف واقع را بررسی می‌کند. منظور از نوجوانان افرادی که در سنین (۱۶ تا ۱۸) سال قرار دارند (صادقی فسائی و عرفان منش، ۱۳۹۸: ۱۰۳) که غالباً دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه هستند. نوجوانی مرحله گذار رشد فیزیکی و روانی انسان است که میان کودکی و جوانی روی می‌دهد. این گذار، تغییرات زیستی (بلوغ جنسی)، اجتماعی، و روان‌شناختی را در بر می‌گیرد، بدین جهت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تأثیر بسزایی در رشد و جامعه‌پذیری نوجوانان خواهند داشت.

ادبیات نظری

انتشار اطلاعات آنلاین

مطالعات مربوط به ناآرامی‌های اجتماعی بر نقش هویت

جمعی و کنش‌های جمعی در فضای مجازی تأکید داشته‌اند. گی‌روشه و سایر پژوهشگران در این حوزه، به بررسی مبانی نظری و تاریخی ناآرامی‌های اجتماعی پرداخته‌اند (روشه، ۱۳۹۲). در نظریه گزینشی: افراد تمایل دارند اطلاعاتی را که با باورهای قبلی آنها سازگار است، بپذیرند و اطلاعات متناقض را نادیده بگیرند. این پدیده باعث می‌شود افراد به راحتی اخبار جعلی را باور کنند (چشایر، ۲۰۰۷). از سوی دیگر نظریه جریان دومرحله‌ای نشان می‌دهد که چگونه اطلاعات از طریق رهبران عقیده‌ساز به دیگران منتقل می‌شود (کلاین استرویر، ۲۰۱۷). همچنین نظریه کنشگران اجتماعی بر نقش آنان در تولید و انتشار اخبار جعلی تأکید می‌کند. این کنشگران می‌توانند افراد، گروه‌ها یا سازمان‌هایی باشند که به دلایل مختلف به انتشار اخبار جعلی می‌پردازند. نظریه کنش اجتماعی به ما می‌گوید که افراد به عنوان کنشگران فعال در جامعه، با تولید و انتشار محتوای خلاف واقع به دنبال اهداف مختلفی مانند تأثیرگذاری بر افکار عمومی، کسب قدرت، یا ایجاد هویت جمعی هستند. از سوی دیگر، این نظریه نشان می‌دهد که ساختارهای اجتماعی مانند رسانه‌ها، نهادهای سیاسی و فرهنگی نیز در شکل‌گیری و انتشار اخبار جعلی نقش مهمی ایفا می‌کنند و با ایجاد شرایط مساعد، زمینه‌ساز تولید و گسترش این نوع محتوا می‌شوند (توملا، ۲۰۱۲).

جامعه‌پذیری در تعامل رسانه‌ای

وجود تعاملات رسانه‌زده در شبکه‌های اجتماعی ایده‌های گافمن و دورکیم را ترکیب می‌کند. در واقع جامعه‌پذیری آنلاین اوقات فراغت جامعه را به سمت معاشرت سوق داده و افزایش وابستگی‌های متقابل، «همبستگی ارگانیک» دورکیم را تشکیل می‌دهد (شرودر، ۱۴۰۱: ۱۳۹-۱۴۲). از طرفی نظریه تعامل نمادین بر اهمیت تعاملات اجتماعی در شکل‌گیری هویت افراد تأکید می‌کند. بر اساس این نظریه، ما از طریق تعامل با دیگران و تفسیر نمادهای فرهنگی، هویت خود را می‌سازیم (اکسان، ۲۰۰۹). تعامل شبکه‌های اجتماعی، برخوردهای نمایشی گوناگونی رخ خواهند داد که افراد را به هم پیوند می‌دهند: کاربرانی که درگیر رویارویی‌های رسانه‌زده-هرچند به صورت ناهم‌زمان- می‌شوند که برداشت‌های نسبت خود (خودبینی و جهان‌بینی فرد) و پاسخ مخاطبان (ارسال پاسخ) را

جمعی سرعت می‌بخشد و کاربران با دیدن این همه خشم در شبکه‌های اجتماعی تمایل دارند لحن خشونت‌آمیز خود را تقویت و به جریان بپیوندند (سینگر و بروکینگ، ۱۴۰۱، ۲۴۵-۲۴۷).

مطالعه حاضر با اتخاذ رویکردی بین‌رشته‌ای در حوزه مطالعات رسانه‌های اجتماعی، به بررسی پیچیدگی‌های درک و تفسیر محتوای خلاف واقع توسط نوجوانان در بستر شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که نوجوانان به عنوان کنشگران فعال در فضای مجازی، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله باورها، ارزش‌ها، هنجارهای فرهنگی، ساختارهای ارتباطی و رویدادهای اجتماعی، به‌ویژه ناآرامی‌های اجتماعی، محتوای خلاف واقع را تفسیر می‌کنند. شبکه پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی بر این فرایند تأثیرگذار است.

پدیده‌هایی مانند همسان‌گرایی و کنترل روایت به عنوان مکانیزم‌هایی عمل می‌کنند که انتشار و پذیرش محتوای خلاف واقع را در میان نوجوانان تسهیل می‌کنند. همسان‌گرایی به این معناست که نوجوانان تمایل دارند به افرادی که دارای باورها و ارزش‌های مشابهی هستند نزدیک شوند و اطلاعاتی را که با این باورها همسو است، بیشتر بپذیرند. از سوی دیگر، کنترل روایت به عنوان فرایندی شناخته می‌شود که در آن، افراد یا گروه‌ها با استفاده از زبان و رسانه‌ها، تلاش می‌کنند تا واقعیت را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که به نفع اهدافشان باشد. در این راستا، تولیدکنندگان محتوای خلاف واقع از تکنیک‌های کنترل روایت برای شکل‌دهی باورهای نوجوانان و افزایش پذیرش این محتوا استفاده می‌کنند.

روش پژوهش

در این پژوهش به مصادیق محتوای خلاف واقع در برهه ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ می‌پردازیم در پژوهش حاضر، با هدف بررسی زمینه‌های فرهنگی و در این پژوهش، با رویکردی کیفی و تفسیری، به منظور بررسی عمیق زمینه‌ها و عوامل انتشار محتوای خلاف واقع در میان کاربران نوجوان ایرانی، از روش جمع‌آوری داده‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه استفاده شد. برای دستیابی به نمونه‌ای هدفمند و متنوع، با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی همچون وضعیت اقتصادی، مناطق

مدیریت می‌کنند. از این رو در ناآرامی‌های اجتماعی، سکوه‌های شبکه‌های اجتماعی با برجسته‌سازی گره‌های ضعیف و همگرایی در گره‌های ضعیف و قوی باعث شده تا رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی بر آن سوار شوند و علاوه بر کمک کردن در انتشار محتوا، فرایند بسیج افراد و یارگیری گروهی را تقویت خواهد کرد (صفدری شریانی، ۱۴۰۱: ۱۸۸-۱۹۲).

پدیده «همسان‌گرایی» به معنای عشق به همسان همان چیزی است که انسان‌ها را به موجودات اجتماعی تبدیل کرده و می‌تواند در گروه‌های بزرگ و هم‌فکر جمع شوند. همسان‌گرایی در شبکه‌های اجتماعی واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است. اشتراک برخی مطالب در کانال‌های خبری با دوستان خود در شبکه‌های اجتماعی نمونه‌ای از همسان‌گرایی است (سینگر و بروکینگ، ۱۴۰۱: ۱۸۷-۱۹۱) کاربران در این موارد مطالبی را بازنشر می‌دهند که از نظرشان مهم است و یا در دیگران می‌تواند تأثیرگذار است.

کنترل روایت و مهندسی احساسات

انتشار اخبار در رسانه‌های تعاملی به در ژانرهای 'متخلف صورت می‌پذیرد. است. ژانر به عنوان یک رویداد ارتباطی هدفمند تعریف شده است که از نظر اجتماعی در یک جامعه گفتمانی خاص تعبیه شده است. تعامل با تحولات فناوری، تغییرات اجتماعی و فضای فرهنگی گسترده‌تر، درک اخبار از دریچه ژانر به‌خوبی طنین‌انداز می‌شود (مست، ۲۰۲۰). استفاده از ژانر تراژدی در انتشار محتوای خلاف واقع باعث شده تا تحریک احساسات کاربران نوجوان به صورت مؤثری باورپذیری محتوا تأثیرگذار بوده است.

در اطلاع‌رسانی و انتشار محتوا سه ویژگی سادگی، طنین‌اندازی و تازگی در گسترش و باقی ماندن روایت تعیین‌کننده است. لذا کنترل روایت در میان رهبران سیاستی و فعالان رسانه‌ای اهمیت بسیاری دارد. کنترل روایت عبارت است از اینکه به مخاطب القا شود که قهرمانان و اشرار یک داستان چه کسانی هستند؛ چه چیز درست و چه چیز نادرست است. از این رو در ناآرامی‌های اجتماعی جنگ روایت‌ها به اوج خود می‌رسد و هر طرف سعی دارد خود را در نظر مخاطبان به حق نشان دهد. از سوی دیگر احساسات و هیجانات به خصوص خشم و غضب در جنگ روایت‌ها به انتشار محتوای مربوطه و شکل‌گیری افکار عمومی و رفتار

یافته‌های پژوهش

شرکت‌کنندگان این پژوهش تعداد ۵۴ مورد از میان دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه انتخاب شدند. تعداد نمونه‌ها در شهر تهران ۲۶ مورد که از این تعداد ۱۲ نفر پسر و ۱۴ نفر دختر به صورت جدی همکاری کردند. تعداد نمونه‌های شهر مشهد ۲۸ نفر است که از این تعداد ۱۸ نفر پسر و ۱۰ نفر دختر با مصاحبه‌گران همکاری داشتند. چند مصاحبه‌نیز به دلیل عدم همکاری دانش‌آموزان از مراحل کدگذاری کنار گذاشته شدند تا در اعتبار پژوهش خدشه وارد نشود.

بررسی اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که بیشتر کاربران در شبانه‌روز حدود ۲-۴ ساعت از وقت خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند. به‌ندرت افرادی بودند که بیشتر از ۴ ساعت در شبکه‌های اجتماعی حضور داشتند. ویژگی بعدی که در میان کاربران فراگیر بود؛ میزان وقتی بود که به کانال‌های خبری اختصاص داده بودند و اغلب اظهار داشتند که حدود ۱۵ دقیقه به رصد اخبار می‌پردازند.

تحلیل تطبیقی داده‌های جمعیت‌شناختی و مصاحبه‌ها حاکی از آن است که دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه، علی‌رغم ادعای سطح بالای سواد رسانه‌ای، در مواجهه با محتوای خلاف واقع، واکنش‌های متناقضی از خود نشان می‌دهند. این دسته از دانش‌آموزان، ضمن تسلط نسبی بر مفاهیم نظری سواد رسانه‌ای، در عمل قادر به اعمال این مفاهیم در ارزیابی محتوای آنلاین نیستند. بررسی عمیق‌تر نشان می‌دهد که کاربران با زمان حضور طولانی‌تر در شبکه‌های اجتماعی (بیش از چهار ساعت)، گرایش بیشتری به همسو شدن با جنبش‌های اجتماعی خاص مانند "زن. زندگی. آزادی" داشته و در برخی موارد، اظهارنظرهای تخصصی در حوزه‌های دینی ارائه می‌دهند. این یافته‌ها حاکی از آن است که صرف آشنایی با مفاهیم سواد رسانه‌ای، تضمینی بر توانایی فرد در ارزیابی انتقادی محتواهای آنلاین نیست و عوامل دیگری مانند تعلقات اجتماعی، باورهای شخصی و میزان تعامل با این فضاها، در شکل‌گیری واکنش‌های فردی نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

با توجه به حساسیت موضوع پژوهش، در ابتدای هر مصاحبه، ضمن حفظ شفافیت، ماهیت پژوهش برای شرکت‌کنندگان نوجوان تشریح گردید. مدت‌زمان هر جلسه مصاحبه بین ۱۵ تا ۲۰ دقیقه متغیر بود. با عنایت به

جغرافیایی، نوع مدرسه، جنسیت، دین‌داری و عملکرد تحصیلی، دانش‌آموزانی از دو شهر تهران و مشهد انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. با توجه به حساسیت‌های پژوهش و محدودیت‌های دسترسی به مدارس، تعداد نمونه‌ها فراتر از انتظار اولیه بود. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و گزینشی استفاده شد که این امر امکان شناسایی الگوها و مفاهیم نهفته در داده‌ها را فراهم آورد.

تحلیل داده‌ها در سه مرحله بررسی شد. مرحله اول کاملاً بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان در نرم‌افزار Maxqda انجام شد. جهت استفاده از صوت و جزئیات جلسه در فرایند مقوله‌بندی، اصوات ضبط شده به‌طور مستقیم کدگذاری شدند. مرحله دوم و سوم با توجه به کیفی بودن روش و سوگیری کمی فرایند کدگذاری در Maxqda، به صورت دستی انجام شد تا در فرایند تحلیل خللی ایجاد نشود. طبقه‌بندی نمونه‌ها بر اساس متغیرهای جنسیت، رفاه اقتصادی، جغرافیایی، تحصیلات والدین به جهت تحلیل عمیق و شناخت مؤلفه‌های دخیل در زمینه‌های فرهنگی و ارتباطی صورت گرفته است. به عنوان مثال سطح درآمد ارتباط معناداری در مصرف فضای مجازی دارد. در این پژوهش جهت اعتبار داده‌ها و نتایج از استراتژی استفهامی استفاده شده است. استراتژی پژوهش استفهامی در بر دارنده مفروضات هستی‌شناسانه‌ای است که واقعیت اجتماعی را همچون برساخته اجتماعی کنشگران اجتماعی تلقی می‌کند (بلیکی، ۱۴۰۲: ۱۵۴). از این رو با طراحی الگویی برای کنشگری نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی سعی می‌شود عوامل و زمینه‌های انتشار محتوای خلاف واقع کشف شود. (جدول ۱)

جدول ۱. جمعیت آماری مصاحبه‌شوندگان.

ردیف	مناطق شهرداری	رفاه اقتصادی	فراوانی	دختر	پسر
تهران	۳	بالا	۱۲	۶	۶
	۱۰	متوسط/پایین	۱۴	۸	۶
مشهد	۳	بالا	۱۰	۴	۶
	۱	متوسط	۳	۰	۳
	۲	متوسط/پایین	۱۵	۶	۹

نوجوانان در جریان ناآرامی‌ها ایفا نموده است. مصرف فضای مجازی دختران نیز به‌طور غالب در بخش سرگرمی و آموزشی بوده است. در برخی موارد به آموزش آشپزی و خیاطی نیز اشاره شده است. نیمی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که با مادر تلفن همراه مشترک دارند و فضای خصوصی در شبکه‌های اجتماعی ندارند.

با وجود جهانی‌شدن و همگرایی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی، الگوهای مصرف این فضا در بین دختران و پسران تفاوت‌های قابل توجهی را نشان می‌دهد. دختران تمایل بیشتری به ایجاد ارتباطات شخصی و صمیمانه در شبکه‌های اجتماعی از طریق پیام‌های خصوصی و گروه‌های گفت‌وگو دارند و اغلب به دنبال محتوایی مرتبط با مد، زیبایی، روابط و سبک زندگی هستند. در مقابل، پسران بیشتر از شبکه‌های اجتماعی برای سرگرمی، بازی‌های آنلاین، کسب اطلاعات در حوزه‌های فناوری و ورزش، و برقراری ارتباطات گروهی استفاده می‌کنند.

در ادامه، به بررسی دقیق‌تر هر یک از عوامل مؤثر بر انتشار محتوای خلاف واقع و چگونگی تأثیرگذاری آنها خواهیم پرداخت. این تحلیل با استفاده از جدول خلاصه کدگذاری گزینشی انجام خواهد شد. بر اساس سؤال اول پژوهش (چه ابعاد فرهنگی و ارتباطی بر انتشار و گسترش محتوای خلاف واقع در شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذارند؟) به‌طور خاص، به بررسی نقش عوامل فرهنگی از جمله خانواده، دوستان و هنجارهای اجتماعی در شکل‌گیری باورها و نگرش‌های افراد، و همچنین تأثیر فشار همالان، رهبران عقیده‌ساز و سیاست‌های حاکمیتی بر پذیرش محتوای خلاف واقع خواهیم پرداخت. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا نقش پیچیده عوامل مختلف را در پدیده انتشار محتوای خلاف واقع درک کرده و نقاط کلیدی برای مداخلات مؤثر را شناسایی نماییم. (جدول ۲)

نقش خانواده در گسترش محتوای خلاف واقع

خانواده، نخستین و مهم‌ترین محیط اجتماعی برای نوجوانان است که نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت، ارزش‌ها و باورهای آنها دارد. الگوهای رفتاری و تصمیم‌گیری نوجوانان اغلب تحت تأثیر رفتار والدین شکل می‌گیرد. به همین دلیل، خانواده می‌تواند نقش مهمی در مقابله با

سن و ویژگی‌های سنی گروه هدف، انتظار می‌رفت سطح مشارکت نوجوانان در مباحث اجتماعی و سیاسی محدودتر باشد. لیکن، وقایع اجتماعی سال ۱۴۰۱ به‌طور ناخواسته و اجباری، بسیاری از نوجوانان را وارد فضای سیاسی و اجتماعی نموده و به‌ویژه جنبش "زن، زندگی، آزادی" تأثیر قابل توجهی بر نسل جوان گذاشته است. این امر نشان‌دهنده آن است که رویدادهای اجتماعی می‌توانند به صورت چشمگیری بر نگرش‌ها و دیدگاه‌های نوجوانان تأثیرگذار باشند و آنها را به مشارکت فعالانه در مباحث اجتماعی و سیاسی ترغیب نمایند.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای حاکم بر محیط زندگی، تأثیر قابل توجهی بر نحوه ابراز وجود و شکل‌گیری هویت نوجوانان دارد. نوجوانان ساکن در مناطق مرفه، به واسطه دسترسی آسان‌تر به شبکه‌های اجتماعی خارجی و هنجارهای اجتماعی متفاوت، از آزادی عمل بیشتری در بیان نظرات و اعتقادات خود برخوردارند. در مقابل، نوجوانان ساکن در مناطق محروم، به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و تضاد بین ارزش‌های خانوادگی و محتوای آنلاین، در ابراز وجود دچار تردید و ابهام هستند. با این حال، هر دو گروه نوجوان تحت تأثیر رو به رشد فضای مجازی قرار دارند و انتظار می‌رود الگوهای کنشگری آنها در آینده دستخوش تحولات قابل توجهی شود. این یافته‌ها بر اهمیت نقش محیط زندگی و دسترسی به اطلاعات در شکل‌گیری شخصیت و رفتار نوجوانان تأکید می‌ورزد.

یکی از عوامل مؤثر در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ ایران، بهره‌برداری ابزاری از جنسیت و به‌ویژه احساسات نوجوانان، به‌خصوص دختران، بوده است. دختران نوجوان به دلیل شکل‌گیری هویت در حال گذار و عدم تثبیت کامل ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، نسبت به تأثیرات محیطی حساس‌تر هستند. نفوذ شبکه‌های اجتماعی همچون پینترست، با ویژگی‌هایی مانند تعامل‌پذیری بالا، تولید محتوای آسان و الگوریتم‌های هدفمند، بر این حساسیت دامن زده است. محتوای بصری غالب در پینترست و امکان تولید و انتشار آسان محتوا، این پلتفرم را به ابزاری قدرتمند برای شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای نوجوانان تبدیل کرده است. با توجه به این موارد، می‌توان گفت که استفاده از پینترست در کنار سایر عوامل، نقش مهمی در تحریک احساسات و بسیج

جدول ۲. خلاصه مقوله‌بندی محوری

ردیف	شماره کد	کدهای فراگیر	دلالت‌ها
۱.۱	ز-۱	خانواده	مرجعیت والدین/ همسویی با خاله و دایی/ شاد با خواهر و برادر/ معرفی BBC / معرفی ایران اینترنشنال/ عدم تعامل با والدین / توصیه والدین، عدم ورود به شبکه‌های خارجی/ تقلید رفتار، عدم حضور در شبکه‌های خارجی/ مرجعیت والدین در صحت اخبار/ مخالفت با رویه والدین/ عدم مرجعیت والدین.
۰۲	ز-۲	دوستان	اینستاگرام/ چت شبکه‌های اجتماعی/ مرجع اخبار/ دنبال کردن ورزشکاران/ معیار اعتبار اخبار/ گوشه‌گیری از جمع دوستان/ دوستان باب ورود دنیای بزرگ‌تر/ تأثیر در جامعه‌پذیری/ گروه‌های شبکه‌های اجتماعی.
۰۳	ز-۳	سکوها	نحوه ارائه محتوا/ وانمایی/ بزرگ‌نمایی/ برجسته‌سازی/ سوگیری‌های فنی/ الگوریتم‌های انتشار محتوا/ تأثیر صفحه اکسپلور/ تأثیرات لایه منطقی/ حاکمیت و مالکیت آمریکا/ جوسازی/ پهنای باند/ سرعت یا صداقت/ سانسور/ شیپنت‌های فرهنگی/ کد قانون‌ها.
۰۴	ز-۵	رهبران عقیده‌ساز	سلبرتی‌ها/ ورزشکاران/ شاخ‌های اینستاگرامی/ خواننده‌های سیاسی/ جوسازی/ جذب افراد/ بی‌اعتمادی/ اظهارنظر غیر کارشناسی
۰۵	ز-۶	ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی	هنجار شدن ناهنجاری‌ها/ تغییر معنای اعتراضات/ ساخت هویت جمعی بر دال مرکزی آزادی/ تحریک عاطفی. درونی شدن المان‌های زن، زندگی، آزادی/ عدم اعتماد به دولت/ نگرش منفی به شبکه‌های اجتماعی/ انزجار از درگیری مردم/ توجه به مصاحبه والدین مهسا/ هوایم‌های اوکراینی/ اخبار کشته‌ها/ وجود محتوای جعلی در شبکه‌های داخلی. حفظ انسانیت مردم/ عدالت سواد اطلاعاتی/ نگاه منطقی به مطالب/ آزادی در فضای مجازی/ آزادی در پوشش/ آزادی رفتار فردی/ فرصت اظهار نظر. حافظه تاریخی در محتوای خلاف واقع و اسرانیل/ شناخت مسیح علی‌نژاد/ یادآوری جسارت‌ها در فضای مجازی/ نیکا شاکرمی/ مهسا امینی/ جسارت به اهل‌بیت. صاحب نظر در حوزه حجاب/ انتظار شنیده شدن صدا/ دانش سطحی و گسترده/ تضعیف هویت ملی/ ایجاد دیدگاه اعتراضی/ نسل Z.
۰۶	ز-۴	حاکمیت (نقص در تنظیم‌گری)	سانسور در تلویزیون/ اختلاف نظر مسئولین/ تقابل با اخبار ناهمسو/ عدم وحدت رویه در خط مشی/ برخورد قهری/ عدم پیشگیری

نداشتند، دیدگاه‌های والدین را به‌طور کامل پذیرفته و در محیطی هم‌صدا با این دیدگاه‌ها رشد می‌کردند. روایت‌های این نوجوانان از تجربیات خود در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهد که ارزش‌ها و هنجارهای آنها به‌شدت تحت تأثیر پروپاگاندا‌ی رسانه‌های متخاصم قرار گرفته است.

۳. خانواده‌های سنتی با وضعیت اقتصادی محدود، الگوی مشخصی از مصرف رسانه‌ای را در میان فرزندان خود ایجاد می‌کنند. والدین در این خانواده‌ها، علی‌رغم عدم علاقه شخصی به فناوری‌های نوین، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت فرزندان خود در استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارند. این امر نشان می‌دهد که ارزش‌ها و باورهای سنتی خانوادگی، همچنان بر رفتارهای دیجیتال فرزندان تأثیرگذار است، حتی در مواردی که والدین خود به‌ندرت از این فضا استفاده می‌کنند.

۴. نوجوانان در خانواده‌های کم‌درآمد از طریق شبکه‌های اجتماعی، به جست‌وجوی هویتی متفاوت از آنچه در

محتوای خلاف واقع در میان نوجوانان ایفا کند. در میان نوجوانان چندین مدل ارتباطی با اعضای خانواده کشف شد:

۱. بسیاری از شرکت‌کنندگان به دلیل مشغله‌های کاری والدین و محدودیت‌های اجتماعی، فرصت‌های اندکی برای تعاملات عمیق خانوادگی و فامیلی داشتند. حجم بالای تعهدات تحصیلی و فعالیت‌های فوق برنامه نیز بر کاهش تعاملات حضوری این افراد تأثیر گذاشته بود. در نتیجه، شبکه‌های اجتماعی به عنوان فضایی برای برقراری ارتباط و تعاملات اجتماعی جایگزین شده بود. به عنوان مثال، شرکت‌کننده A3 بیان می‌کند: «سال نهم بالاخره درس‌ها سبک بود، شاید حداقل ۵-۶ ساعت در شبکه‌های اجتماعی حضور داشتم» (A3، ۱۴۰۳/۲/۲۴). از این رو شبکه‌های اجتماعی مرجع هویت‌یابی و جامعه‌پذیری این قشر از نوجوانان شده است.

۲. برخی نوجوانان، تحت تأثیر مستقیم باورهای خانوادگی و تقویت رسانه‌های خارجی، از جنبش "زن، زندگی، آزادی" حمایت می‌کردند. این نوجوانان که اغلب استقلال رأی کافی

بخواهند. در مقابل، در خانواده‌هایی که روابط بین فردی با مشکل مواجه است، نوجوانان ممکن است به دنبال تأیید و پذیرش در گروه‌های همسالان و فضای مجازی باشند و در نتیجه، بیشتر تحت تأثیر اطلاعات نادرست قرار گیرند.

۴. سطح تحصیلات والدین با افزایش احتمال حضور دانش‌آموزان در شبکه‌های اجتماعی خارجی همراه است. اگرچه والدین تحصیل کرده ممکن است تلاش کنند تا فضای امنی را برای فرزندان خود در این فضا ایجاد کنند، اما مطالعات نشان می‌دهد که سواد بالا به تنهایی نمی‌تواند از آسیب‌پذیری نوجوانان در برابر تأثیرات منفی این شبکه‌ها جلوگیری کند.

شکل‌گیری ریز اتاق‌های پژواک در میان دوستان

بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان پس از خانواده، زمینه دوستان در انتشار محتوای خلاف واقع مهم‌ترین زمینه فرهنگی است. در دوره نوجوانی که دوره حساس جامعه‌پذیری است، دوستان در شکل‌گیری شاکله وجودی و شخصیت افراد بسیار تأثیرگذار است. فشارهای گروه‌های همسالان، ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های مرجع دوستان، نوجوانان را به سمتی حرکت می‌دهد تا با تأیید گرفتن از دوستان وارد تعامل شوند و هویت آنها شکل بگیرد (هدایتی، ۱۳۹۵). در میان مصاحبه‌شوندگان یک مدرسه این موضوع دیده شد که نسبت به ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ مواضعی مشابه داشتند و از منابع مشترک استفاده می‌کردند و تعامل آنها نسبت به اخبار واصله دیدگاه آنان را نسبت به وقایع شکل می‌داد.

مدارس در عصر دیجیتال دارای دو لایه آموزشی و پرورشی هستند. لایه اول معلمان و مربیان در مدرسه هستند که به‌طور رسمی در راستای اهداف نظام آموزشی و پرورشی کشور عمل می‌کنند. لایه دوم به ارتباط نزدیک افراد با دوستان خود در مدرسه برمی‌گردد. در این لایه با قرار گرفتن در میان همسالان دوره جدیدی از جامعه‌پذیری را با راهبری شبکه‌های اجتماعی در کنار دوستان تجربه می‌کنند که بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی آنان در این تعامل در مدرسه شکل می‌گیرد. اشتراک تجربیات جدید با دوستان باعث می‌شود در میان دانش‌آموزان بر سر فراگیری موضوعات روز در شبکه‌های اجتماعی رقابت ایجاد شود. این رقابت برای به‌روز بودن و عقب‌نماندن از دوستان، در دو

خانواده تجربه می‌کنند، می‌پردازند. این گروه با تعریف هویت‌های چندگانه، رفتاری دوگانه از خود نشان می‌دهند؛ به‌طوری‌که فعالیت‌های آنلاین خود را به دلیل تفاوت با هنجارهای خانوادگی، پنهان نگه می‌دارند.

۵. دانش‌آموزانی که در رقابت‌های تحصیلی هستند معمولاً دچار چالش‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی نشده و اظهار داشتند که بیشتر وقت خود را صرف مطالعه می‌کنند. و اخبار و مطالب را به‌ندرت از حساب کاربری پدر یا مادر بررسی می‌کنند. البته این قشر تعداد کمی از نمونه‌ها را شامل می‌شود.

بررسی نقش خانواده در شکل‌گیری باورهای نوجوانان نسبت به اطلاعات آنلاین نشان می‌دهد که این نهاد اجتماعی، نقش محوری در این فرایند ایفا می‌کند. سه محور اصلی در این زمینه قابل بررسی است:

۱. الگوبرداری اجتماعی: نوجوانان به‌طور طبیعی تمایل دارند از افراد اطرافیان خود، به‌ویژه والدین، الگوبرداری کنند. اگر والدین به‌طور مرتب از شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده و به اطلاعات منتشرشده در آنها اعتماد کنند، احتمالاً فرزندان نیز همین الگورا در پیش خواهند گرفت. این فرایند، که به عنوان "الگوبرداری اجتماعی" شناخته می‌شود، نشان می‌دهد که ارزش‌ها و باورهای اولیه نوجوانان در مورد اطلاعات آنلاین، تحت تأثیر مستقیم باورهای والدین شکل می‌گیرد.

۲. آموزش رسانه‌ای در خانواده: خانواده می‌تواند نقش بسیار مهمی در آموزش رسانه‌ای نوجوانان ایفا کند. با ارائه آموزش‌های لازم در مورد نحوه ارزیابی صحت اطلاعات، تشخیص اخبار جعلی و تفکر انتقادی، والدین می‌توانند به فرزندان خود کمک کنند تا در مواجهه با حجم عظیم اطلاعات موجود در فضای مجازی، تصمیم‌گیری آگاهانه‌ای داشته باشند. متأسفانه، در بسیاری از خانواده‌ها، به دلایل مختلفی از جمله مشغله‌های کاری والدین و کمبود منابع آموزشی، آموزش‌های رسانه‌ای به اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود.

۳. تأثیر روابط خانوادگی بر باورهای نوجوانان: روابط خانوادگی، به‌ویژه رابطه بین والدین و فرزندان، بر شکل‌گیری باورهای نوجوانان تأثیرگذار است. در خانواده‌هایی که روابط بین فردی قوی و مبتنی بر اعتماد متقابل است، نوجوانان تمایل بیشتری دارند به والدین خود مراجعه کرده و از آنها راهنمایی

نمی‌توان نادیده گرفت، همان‌گونه که مک‌لوهان (۲۰۱۰) در مورد رسانه‌های جمعی، عبارت "رسانه پیام است" را بیان کرده است، ساختار سکوهای شبکه‌های اجتماعی در انشار، باورپذیری و کانتکس محتوا تأثیر بسزایی دارد. با توجه به بصری‌سازی محتوا در سکوهایی همچون اینستاگرام و پینترست، کنشگری این دو سکو به‌خصوص اینستاگرام در میان کاربران نوجوان در برهه ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ تعیین‌کننده بوده است. مصاحبه‌شوندگان در بیان ویژگی‌های سکوها در دو مؤلفه تأکید داشتند: ۱. فیلم و تصویر از حادثه، به عنوان معیاری در صحت محتوا است. ۲. ارسال گزارش‌های مردمی، تولید محتوا توسط مردم، دلیل تدوین نشدن و خام بودن، احتمال دروغ بودن را از ذهن مخاطبان دور می‌سازد و صحت محتوا را تا حدود زیادی تضمین می‌کند. از این رو سکوهای چندرسانه‌ای مانند اینستاگرام، در ارائه محتوا، حتی متن را به صورت تصویر و فیلم ارائه می‌دهد؛ در همین راستا صفحات حامیان "زن، زندگی، آزادی" در اینستاگرام نیز به‌طور غالب از گزارش‌های مردمی برای ارائه محتوا استفاده می‌کنند.

به‌طورکلی، نقش سکوهای شبکه‌های اجتماعی از چند جهت قابل بررسی است:

۱. برخلاف تصور رایج مبنی بر اینکه سکوهای مبتنی بر محتواهای بصری مانند اینستاگرام صرفاً برای تعاملات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند، تحلیل‌ها نشان می‌دهد این سکوها نقش پررنگی در اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کنند. به‌ویژه در رویدادهای اخیر مانند ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، اینستاگرام به عنوان یک بستر مهم برای تولید و انتشار محتواهای مرتبط با این رویدادها عمل کرده است. اگرچه حجم محتوای تولیدشده در اینستاگرام در مقایسه با پلتفرم‌هایی مانند توئیتر و تلگرام کمتر است، اما به دلیل تأکید بر محتوای بصری و قابلیت تعامل بالا، تأثیرگذاری آن بر مخاطبان به مراتب بیشتر بوده است. کاربران اغلب به اینستاگرام مراجعه می‌کنند تا برداشت‌های شخصی افراد مختلف را از رویدادها مشاهده کنند و در مورد آنها به بحث و تبادل نظر بپردازند. به عبارت دیگر، اینستاگرام نه تنها به عنوان یک منبع اطلاعاتی، بلکه به عنوان یک فضای گفت‌وگو و تحلیل نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۲. اولویت کاربران سکوهایی مانند اینستاگرام، سرگرمی و تفریح، بازی و موسیقی، است لذا به‌ندرت در جست‌وجوی

گروه قابل بررسی است افرادی که تلاش می‌کنند مرجعیت برتری خود را حفظ کنند. از این رو زمان زیادی را صرف رصد شبکه‌های اجتماعی می‌کنند. با توجه به حجم بالای داده‌های شبکه‌های اجتماعی فرصت تحقیق و صحت‌سنجی مطالب برای دسته اول وجود ندارد، مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که این‌گونه افراد در هر موضوعی اظهار نظر می‌کنند اما از آن نمی‌توانند دفاع کنند^۳ و اطلاعات آنها بسیار سطحی و در برخی موارد اشتباه است. گروه دوم، افرادی هستند که از دیگران پیروی می‌کنند و دغدغه جست‌وجوی اینترنتی آنان محتوایی است که از دوستان خود در مدرسه شنیده‌اند و از این رو موضوعات جنجالی (برجسته‌سازی شده) در میان کاربران نوجوان مانند ویروس منتشر می‌شود.

بعدها دیگر این مسئله ارتباط همکلاسی‌ها در شبکه‌های اجتماعی است. گروه‌های کلاسی در پیام‌رسان‌ها به عنوان فضای دوم، ظرفیتی را ایجاد کرده است که محتوای خلاف واقع و جعلی در این گروه‌ها با سرعت بیشتری منتشر می‌شود. به عبارتی یک مطلب در گروه‌های دوستانه خیلی راحت‌تر از کانال‌های خبری مورد قبول کاربران قرار می‌گیرد؛ زیرا اظهار مخالفت در میان دوستان برای کاربران بسیار مشکل است و در مارپیچ سکوت فرو می‌روند.

دوم، فشار همالان باعث می‌شود که کاربران برای پذیرفته شدن در گروه، نظرات خود را با دیگران هماهنگ کنند. این همناویی در نظرات ریز اتاق‌های پژواکی را تشکیل می‌دهد که کاربران را از واقعیت دور می‌سازد.

عامل سوم: اعتماد به دوستان باعث می‌شود که کاربران محتوای منتشرشده توسط آنها را بدون تردید بپذیرند و همین امر سرعت انتشار اطلاعات نادرست را افزایش می‌دهد.

نقش دوستان در شکل‌گیری باورهای نادرست در فضای مجازی

در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شدن از واقعیت جدا نیست، محتوای خلاف واقع در میان میلیون‌ها نفر به اشتراک گذاشته می‌شود به روش خود «واقعی» می‌شود. و الگوریتم‌های ردیابی نیز هنوز در صحت‌سنجی این مطالب و کاربران منتشرکننده موفق نبوده‌اند (سینگر و بروکینگ، ۱۴۰۱: ۲۱۰). سکوهای شبکه‌های اجتماعی در نگاه اول به عنوان ابزار ارتباطی قلمداد می‌شوند اما از عاملیت ساختار

تمایل افراد به نشان دادن وابستگی به گروه‌های مرجع و تحریک احساسات ملی و مذهبی، کاربران را به بازنشر بی‌دقت این محتوا سوق می‌دهد. محتوای خلاف واقع مرتبط با ارزش‌ها و هنجارهای ملی و مذهبی به دلیل اهمیت این مسائل در فرهنگ ایرانی، تأثیرگذاری بیشتری دارد. این پدیده نشان می‌دهد که جنگ‌های شناختی با بهره‌برداری از این حساسیت‌ها، به دنبال تضعیف باورهای عمومی و ایجاد تفرقه هستند.

۳. چندقطبی شدن جامعه: در پی حساسیت‌زدایی مردم نسبت به ارزش‌های خود و سکوت در برابر ناهنجاری‌ها، صدای برخی مخالف نظام اسلامی که معمولاً غرب‌نشین هستند؛ به گوش می‌رسد. خوانش وارونه از ارزش‌های مذهبی و ملی مانند (آزادی، زندگی، عدالت و...)، باعث ایجاد شکاف‌های ارزشی و شکل گرفتن ارزش‌های دوگانه در میان مردم به‌خصوص نوجوانان شد. در برهه ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ کاربران در میان دوقطبی‌های (آزادی یا ولنگاری)، (اعتراض یا اغتشاش)، (ایران، یا اسلام)، (حجاب یا برهنگی) و... سردرگم شدند.

تأثیر رهبران نرم و سلبریتی‌ها بر افکار عمومی نوجوانان در ایران

در جریان ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، نقش رهبران عقیده‌ساز در شکل‌دهی افکار عمومی و جهت‌دهی اعتراضات به‌وضوح قابل مشاهده بود. علی‌رغم ادعای وجود «شبکه‌های بی‌رهبر»، تحقیقات نشان می‌دهد که این شبکه‌ها نیز تحت تأثیر «رهبران نرم» عمل می‌کنند (صفدری شریبانی، ۱۴۰۱). این رهبران با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی گسترده خود در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در میان نسل جوان، توانستند بر جریان اطلاعات و شکل‌گیری افکار عمومی تأثیرگذار باشند. از آنجاکه این افراد در شکل‌دهی افکار عمومی و دیدگاه‌های کاربران تأثیرگذار هستند در این پژوهش از واژه «رهبران عقیده‌ساز» استفاده می‌کنیم.

این افراد با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی گسترده خود در شبکه‌های اجتماعی، از جمله تعداد بالای دنبال‌کننده و تعاملات، بر جریان اطلاعات و شکل‌گیری افکار عمومی تأثیرگذار بوده‌اند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده B4 از مدرسه بینش ولیعصر، با اشاره به دنبال کردن افرادی مانند مه‌رمان مدیری، علی کریمی و علی دایی در اینستاگرام، به این موضوع اشاره کرده است که این افراد به دلیل نفوذ بالای

مطلبی خاص هستند. بدین سبب کاربران ایرانی در اینستاگرام معمولاً عادت به پرسه زنی دارند و در پی آن محتوایی که ترند شده را بیشتر مشاهده می‌کنند در جریان رویدادهای سال ۱۴۰۱، الگوریتم‌های اینستاگرام، به دلیل ماهیت پویا و واکنش‌پذیر خود، به‌سرعت محتوای مرتبط با این رویدادها را به کاربران پیشنهاد دادند. این امر، در کنار ماهیت سرگرمی‌محور اینستاگرام، سبب شد تا بسیاری از کاربران بدون داشتن هدف مشخصی برای جست‌وجوی اطلاعات، در معرض حجم قابل توجهی از محتوا، از جمله اطلاعات نادرست، قرار گیرند.

۳. ادعای بی‌طرفی و اعتدال و وسعت سکوه‌های خارجی: سکوه‌های خارجی با ارائه بسته‌های محتوایی متنوع و نامحدود، تنوع‌طلبی مخاطبان را افزایش داده که در مقابل سکوه‌های داخلی انتظارات آنها را پوشش نمی‌دهد. اما با ورود کاربران نوجوان و هرزه‌گردی در فضای اینستاگرام با کنشگری صاحبان گول‌های رسانه‌ای (تله‌های جنگ شناختی و ترکیبی برای کاربران ایرانی) به سمتی سوق داده می‌شوند که نسبت به خود و جامعه‌ای که درون آن زندگی می‌کنند؛ ناامید شوند و مدینه فاضله را در جوامع غربی مشاهده کنند. از این‌رو مسائلی همچون ولنگاری در پوشش و برهنگی، می‌شود مسئله اصلی نوجوان ایرانی و از طرفی نسبت به اقتدار و استقلال کشور خود بی‌تفاوت می‌شود.

نقش فرهنگ در شکل‌گیری اکوسیستم محتوای خلاف واقع

زمینه‌های فرهنگی، به عنوان شالوده اصلی هویت جمعی، به‌طور فعال در شکل‌دهی و انتشار محتوای خلاف واقع در جامعه ایرانی نقش ایفا می‌کنند. این تأثیرات، از طریق ارزش‌ها، باورها و هنجارهای حاکم بر جامعه، به طرق مختلف خود را نشان می‌دهند.

۱. سلبریتی‌ها: در فرهنگ ایرانی، اعتبار و شهرت منابع اطلاعاتی و فردی بسیار مهم است (سلیمانی و دیگران، ۱۴۰۱). مردم ممکن است نظرات یک فرد مشهور اعتماد کنند. اظهار نظر غیر کارشناسی سلبریتی‌ها نسبت به حوادث سال ۱۴۰۱ بازخوردهای بسیاری را به همراه داشت.

۲. در جامعه ایران، استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی حاکم بر اشتراک‌گذاری اطلاعات، زمینه را برای انتشار سریع محتوای خلاف واقع فراهم کرده است.

فضای مجازی» و تسری تنظیم‌گری رسانه‌های جمعی در فضای مجازی (عرفان‌منش، ۱۴۰۳، ص ۸) از سوی دیگر تحولات روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی، حکمرانی را در این بخش با چالش‌های جدی روبرو کرده است.

۱. فیلترینگ در ایران، با هدف کاهش انتشار اطلاعات نادرست، اجرا شده است. اما این اقدام به جای رسیدن به هدف خود، نتایج معکوسی داشته است و در نظر کاربران نیز یکی از معضلات بزرگ شبکه‌های اجتماعی است. محدودیت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی خارجی، باعث شده کاربران نوجوان به دنبال راه‌های دور زدن فیلترینگ باشند و به راحتی به محتوای نامناسب و اخبار جعلی دسترسی پیدا کنند. همچنین، فیلترینگ باعث کاهش اعتماد عمومی به دولت و افزایش نفوذ رسانه‌های خارجی شده است. در واقع، فیلترینگ نه تنها نتوانسته انتشار اطلاعات نادرست را کاهش دهد، بلکه زمینه را برای گسترش آن و ایجاد مشکلات اجتماعی بیشتر فراهم کرده است.

۲. تضاد در سیاست‌های فضای مجازی در ایران باعث ترویج محتوای خلاف واقع شده است. نهادهای مسئول در حوزه فضای مجازی در ایران سیاست‌های متناقضی را دنبال می‌کنند. از یک سو، شبکه‌های اجتماعی خارجی فیلتر شده‌اند، اما از سوی دیگر، سکوهایی داخلی مانند روبیکا با محتوای مشابه اینستاگرام، همان ذائقه و سلیقه را در کاربران ایجاد می‌کنند. این تناقض باعث شده است تا کاربران به راحتی از سکوهایی داخلی به عنوان پلی برای دسترسی به محتوای خارجی استفاده کنند. در نتیجه، تلاش‌های برای فیلترینگ نه تنها موفق نبوده، بلکه به دلیل وجود سکوهایی داخلی با محتوای مشابه، باعث ترویج بیشتر محتوای نامناسب و اخبار جعلی، به ویژه در میان نوجوانان، شده است. این وضعیت نشان‌دهنده عدم هماهنگی و سیاست‌گذاری نادرست در حوزه فضای مجازی در ایران است.

۳. برخوردهای قهری دولت با مخالفان و محدودیت‌هایی مانند فیلترینگ و کاهش سرعت اینترنت، به جای کاهش تنش‌ها، باعث افزایش نفرت و شکاف عمیق بین مردم و حکومت شده است. این رویکرد نه تنها باعث از دست رفتن مقبولیت حکومت می‌شود، بلکه اعتماد عمومی را نیز از بین می‌برد و در نتیجه، مردم به جای رسانه‌های داخلی، به رسانه‌های خارجی و شبکه‌های اجتماعی روی

خود در شبکه‌های اجتماعی، بر باورها و دیدگاه‌های وی تأثیرگذار بوده‌اند (بینش ولیعصر، ۱۴۰۳/۲/۲۸). در واقع، این رهبران نرم با ایجاد یک فضای عمومی نمادین و عاطفی، نقش مهمی در هدایت و بسیج افراد ایفا می‌کنند. بنابراین، علی‌رغم ادعاهای مبنی بر بی‌رهبری جنبش‌های اجتماعی در عصر دیجیتال، وجود رهبران عقیده‌ساز نشان می‌دهد که این جنبش‌ها نیز ساختارهای رهبری خاص خود را دارند. این گونه افراد با فعالیت بلاگری در شبکه‌های اجتماعی و نمایش زندگی‌های لوکس خود، در پی کسب احترام و اعتبار در میان کاربران به خصوص نوجوانان هستند، این الگوسازی سلبریتی‌ها در میان کاربران نوجوان در جمیع ابعاد از جمله دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی سرایت می‌کند. از این رو موضع‌گیری برخی سلبریتی‌ها و ورزشکاران در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ جمعیت زیادی از کاربران به سمت جنبش "زن، زندگی، آزادی" کشاند.

سلبریتی‌ها و ورزشکاران با نفوذ خود در مخاطبان، به ویژه جوانان، می‌توانند دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی خود را گسترش دهند. اینفلوئنسرهای مجازی نیز با تبلیغ سبک زندگی فرا مجلل و ایجاد انتظارات نامعقول، به نارضایتی‌های اجتماعی دامن می‌زنند. از سوی دیگر، رهبران سیاسی و مذهبی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به عنوان مرجعی برای صحت‌سنجی اخبار و اطلاعات عمل می‌کنند. در این میان، نقش دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری در مقابله با جریان محتوای خلاف واقع و جذب کاربران نوجوان به گفتمان انقلاب اسلامی قابل توجه است. به طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد که تعامل پیچیده‌ای بین این گروه‌ها و مخاطبان وجود دارد و هر یک به نوبه خود بر انتشار و پذیرش محتوای خلاف واقع تأثیرگذار هستند.

نقش دولت در گسترش محتوای خلاف واقع در فضای مجازی ایران

سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولتی در ابعاد ایجاد، پیشگیرانه، اصلاحی، ایجابی، سلبی مورد توجه مسئولان بوده است؛ عرصه‌های مذکور از یک ربط اصولی و منطقی تبعیت نکرده و مواضع آنها به سبب و اقتضاء شرایط بحرانی صورت گرفته است از این رو بالطبع فضای مجازی در ایران عموماً به منزله یک «مسئله» دیده شده است. غفلت مسئولین از ابعاد اجتماعی و فرهنگی «سیاست‌گذاری

جهت پیشگیری و از طرفی ارائه خدمات فنی به سکوه‌های خارجی، زمینه را کنشگری فعالان فضای مجازی و در نتیجه غیر قابل کنترل کردن شبکه‌های اجتماعی آماده کرده است.

نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر ناظر به سؤال دوم (۲). چگونه این محتواها بر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای نوجوانان ایرانی تأثیر گذاشته و چه پیامدهایی را برای آنان و جامعه در پی داشته است؟) نشان می‌دهد که انتشار محتوای خلاف واقع در میان نوجوانان ایرانی تحت تأثیر شبکه‌ای پیچیده از عوامل فردی، اجتماعی و ساختاری است. خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین محیط اجتماعی، نقش کلیدی در شکل‌گیری باورها و نگرش‌های نوجوانان ایفا می‌کند. الگوهای ارتباطی والدین، میزان نظارت بر فعالیت‌های آنلاین نوجوانان و مرجعیت والدین در صحت اخبار، از جمله عوامل مؤثر بر پذیرش یا رد محتوای خلاف واقع هستند. همسالان نیز به عنوان گروه مرجع، تأثیر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای نوجوانان دارند. فشار همسالان برای پذیرش و انتشار محتواهای خاص، به ویژه در فضای مجازی، می‌تواند نوجوانان را به سمت باور و انتشار اطلاعات نادرست سوق دهد. سکوه‌های شبکه‌های اجتماعی با الگوریتم‌های پیچیده خود، به سرعت و گستردگی در انتشار اطلاعات کمک می‌کنند و در شکل‌دهی افکار عمومی نقش محوری دارند. این سکوها با ایجاد حباب‌های فیلتر و تقویت اکوچمبرها (echo chamber)، باعث تقویت باورهای موجود و کاهش مواجهه با دیدگاه‌های مخالف می‌شوند. رهبران عقیده‌ساز مانند سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها نیز با استفاده از محبوبیت خود، بر افکار و باورهای نوجوانان تأثیرگذار هستند. ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی جامعه نیز چارچوبی را برای تفسیر و ارزیابی اطلاعات فراهم می‌کنند. در جوامعی که به شایعات و اخبار غیررسمی اهمیت بیشتری می‌دهند، احتمال پذیرش و انتشار اطلاعات نادرست بیشتر است. نبود قوانین و مقررات شفاف و کارآمد برای نظارت بر فضای مجازی، زمینه را برای فعالیت آزادانه سکوه‌های خارجی و انتشار بی‌رویه محتوای خلاف واقع فراهم کرده است. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که انتشار محتوای خلاف واقع در میان نوجوانان ایرانی، یک پدیده چندوجهی است که ریشه در عوامل فردی، اجتماعی و ساختاری دارد. برای مقابله با این پدیده، نیازمند رویکردی جامع و چندجانبه هستیم که شامل

می‌آوردند. بسیاری از کاربران از برخوردهای نیروهای امنیتی و تنش‌های موجود در سطح جامعه اعلام انزجار داشتند و رسانه‌های داخلی را متهم به کتمان حقیقت می‌کردند. این مهاجرت به سمت رسانه‌های خارجی، زمینه را برای انتشار گسترده‌تر اطلاعات نادرست و تشدید بحران فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، برخوردهای قهری به جای حل مشکل، آن را پیچیده‌تر کرده و به گسترش اطلاعات نادرست کمک کرده است.

۴. شکاف دیجیتال سیاسی: که ناشی از تفاوت در دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات است، به عنوان یکی از چالش‌های اساسی جوامع معاصر مطرح می‌شود و به معنای فاصله‌ای است که بین افرادی که به فناوری اطلاعات دسترسی دارند و آن‌هایی که ندارند یا دسترسی محدودی دارند (قربان زاده سوار، ۱۳۹۸)، که این باعث شکاف دیدگاه‌های سیاسی مردم شده است. این شکاف می‌تواند منجر به نابرابری در دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حتی در فرصت‌های اقتصادی شود (فلچر، ۲۰۱۵). عوامل مؤثر بر این شکاف عبارت‌اند از نقص در تنظیم‌گری، ضعف زیرساخت‌ها، عدم عرضه محتوای داخلی با کیفیت و نفوذ محتواهای خارجی. پیامدهای این شکاف شامل کاهش مشارکت سیاسی، تقویت شکاف‌های اجتماعی، تضعیف انسجام ملی و نهادینه شدن باورهای نادرست است. برای کاهش این شکاف، توسعه زیرساخت‌ها، ترویج سواد دیجیتال، تولید محتوای داخلی با کیفیت و تنظیم‌گری مؤثر ضروری است.

۵. عدم سامان‌دهی سلبریتی‌ها و رهبران عقیده‌ساز: نقش رهبران عقیده‌ساز و سلبریتی‌ها به‌طور مفصل قبلاً بیان شد. در اینجا موضوع رویکرد دولت در قبال این افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. افراد زیادی با ورود به عرصه تلویزیون و سینما به شهرت و محبوبیت در میان مردم رسیدند و تا قبل از ظهور شبکه‌های اجتماعی، امکان تعامل میان سلبریتی‌ها و مردم وجود نداشت. اما شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی فضایی را ایجاد کرده تا خارج از کنترل حاکمیت، این‌گونه افراد نظرات خود را در میان مردم منتشر کنند که در بسیاری از موارد نظرات غیر کارشناسی آنان باعث تشدید ناآرامی‌ها و آشوب‌ها شده است. ولنگاری فضای مجازی اگرچه به بسیاری از عوامل بستگی دارد اما در حوزه دولت، عدم اقدام دولت زمان مناسب به معنای مسئله‌شناسی، سیاست‌گذاری و اقدام به

مشارکت فعال آنها در روایت‌گری وقایع روز از طریق تشکیل گروه‌های مطبوعاتی دانش‌آموزی و آموزش مهارت‌های تحلیل و نقد اخبار با تشکیل کارگاه‌های آموزشی، تجهیز مدارس، حمایت از ایده‌های دانش‌آموزی، همکاری با رسانه‌های محلی.

- توسعه و گسترش آموزش هم‌تا به هم‌تا به عنوان یک استراتژی کلیدی، با هدف تقویت هویت ملی و دینی نوجوانان، می‌تواند به عنوان سدی در برابر نفوذ فرهنگ‌های بیگانه عمل کند. این رویکرد با ایجاد شبکه‌های حمایتی اجتماعی و تقویت حس تعلق به جامعه، در جهت ارتقای سطح آگاهی و بینش نوجوانان در مواجهه با چالش‌های فرهنگی.

راهبردهای ایجاد

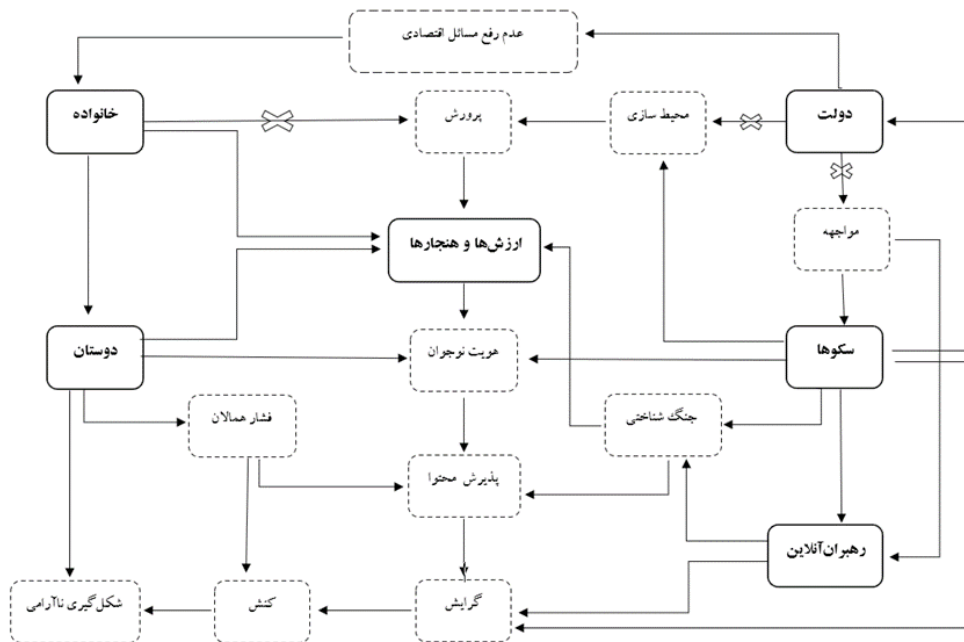
بومی‌سازی زیرساخت‌های فناوری در و سپس تسلط بر ابعاد منطقی و محتوایی شبکه‌های اجتماعی با حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و اندیشکده‌های علوم ارتباطات در جهت رفع نیاز کاربران ایرانی.

آموزش رسانه‌ای، تقویت سواد دیجیتال، بهبود تنظیم‌گری فضای مجازی، افزایش مشارکت فعال شهروندان و همکاری بین‌المللی باشد.

مطالعه حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عوامل فرهنگی و ارتباطی مؤثر بر انتشار محتوای خلاف واقع در میان نوجوانان ایرانی انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش، ضرورت ایجاد تغییراتی در شش حوزه احصا شده را به منظور مقابله مؤثر با این پدیده نشان می‌دهد. ناظر به سؤال سوم پژوهش (چه راهکارهای علمی و عملی برای مقابله مؤثر با انتشار محتوای خلاف واقع و ارتقای سواد رسانه‌ای در میان نوجوانان وجود دارد؟) و بر اساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادها زیر در دو بخش راهبردها و راهکارها ارائه می‌گردد.

راهبردهای پیشگیرانه

- استفاده از ظرفیت بومی‌سازی شده هوش مصنوعی در جلوگیری از گسترش بی‌رویه محتوای خلاف واقع.
- تقویت سواد اطلاعاتی-سیاسی دانش‌آموزان و ارتقای



شکل ۱. شش زمینه فرهنگی و ارتباطاتی انتشار محتوای خلاف واقع.

متناسب‌سازی فضای مجازی و تفکیک نوع دسترسی
اشاره مختلف به شبکه‌های اجتماعی؛ راه‌اندازی اینترنت
کودکان و نوجوانان.

راهکارها

ارائه راهکارهای قانونی برای مقابله با محتوای خلاف واقع
در بندهای ۱۴ (تقویت کارایی و اثربخشی رسانه ملی) و ۱۹
(برقراری حاکمیت ملی در لایه‌های شبکه ملی اطلاعات
برنامه هفتم توسعه).

حمایت از پژوهش‌ها و طرح‌ها و اندیشه‌های حوزه
هوش مصنوعی به جهت در اختیار داشتن دست برتر در
فناوری‌های جدید و توجه به تحولات عصر هوش مصنوعی
در آینده.
ارتقای تعاملات خانوادگی و هویت‌یابی نوجوانان از
طریق ترویج اشتغال خانگی و تولیدات خانوادگی.

ایجاد فضایی امن برای بیان آزادانه افکار نوجوانان و
تعامل سازنده با مسئولان، ضمن تقویت مشارکت اجتماعی
جوانان و افزایش پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی، به ارتقای
سطح اعتماد عمومی و انسجام ملی کمک شایانی خواهد.
تدوین خط‌مشی‌های جامع برای تعامل مؤثر با
سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرهای مجازی به منظور تقویت
تاب‌آوری اجتماعی و کاهش پتانسیل بحران‌زایی ناشی از
فعالیت‌های این افراد.

راهبردهای اصلاحی

توجه به نگرش‌های راهبردی تدوین‌شده مانند تضمین
اجرای کامل و مؤثر مفاد سند مقابله با اخبار جعلی، طرح
صیانت، برنامه هفتم توسعه، بیانیه گام دوم انقلاب از طریق
اعمال مکانیزم‌های نظارتی قوی و پاسخگو توسط شورای
عالی فضای مجازی.

پی‌نوشت‌ها

1. genre

۲. نمونه سوم پسر مدرسه اسلامی مشهد، با معدل بالا و از نظر اقتصادی در قشر متوسط (حدود بیست میلیون درآمد ماهانه) قرار دارد.
۳. هیچ یک از نمونه‌هایی که اظهار سواد رسانه بالا داشتند، تجربه صحت‌سنجی محتوا در شبکه‌های اجتماعی ندارند.

فهرست منابع فارسی

- اسمیت، فلیپ؛ رابلی، الکساندر (۱۳۹۸)، *نظریه فرهنگی*،
محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- البرزی دعوتی، هادی؛ ساعی، محمدحسین؛ آزادی،
محمدحسین (۱۳۹۸)، ظهور «خبر جعلی» در «عصر
پساحقیقت»؛ اهداف و پیامدها، *رسانه‌های دیداری و شنیداری*،
۳۱ (۱۳)، ۵۹-۸۶.
- ترابی کلاته قاضی (۱۴۰۰)، بیانیه گام دوم انقلاب؛ سند
طرح‌ریزی راهبردی حرکت در مرحله دوم انقلاب اسلامی،
مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۵ (۱۷)، ۷۱-۱۰۰.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات
دانشگاه تهران.
- نوش‌آفرین، مظفری؛ مسعودی، امیدعلی؛ مجیدی قهرودی،
نسیم (۱۴۰۳)، نقش سواد رسانه‌ای در کاهش اخبار جعلی
وراهبردهای‌های مقابله با تهدیدات نرم رسانه‌های خارجی در
- ایران، *مطالعات راهبردی ارتباطات*، ۳ (۴).
روشه، گی (۱۳۹۲)، *تغییرات اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- سلیمانی ساسانی، مجید؛ شهبازی، مهدی؛ قربانی، سینا
(۱۴۰۱)، فرهنگ شهرت و کنشگری سلبریتی‌ها در اینستاگرام
از نظر کاربران ایرانی، *پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات*، ۲۳
(۵۷)، ۳۴۱-۳۷۴.
- ساعی محمدحسین؛ آزادی، محمدحسین (۲۰۲۱)، *راهکارهای
مقابله با اخبار جعلی در سازمان‌های خبری و رسانه‌های ایران*.
صادقی فسائی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۸)، *نوجوانان
دیجیتالی و قدرت کنشگری؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی خانگی
شدن فناوری‌ها*، تهران: نشر حقوقی.
- صفدری شربیانی، ابوطالب (۱۴۰۱)، *کنش جمعی جمع‌on-
line*، تهران: سوره مهر.
- عرفان‌منش، ایمان (۱۴۰۲)، *تحلیل راهبردی PESTEL از*

برنامه هفتم توسعه (۶): حوزه رسانه و فضای مجازی و ارائه احکام پیشنهادی (۱۹۰۵۲)، تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://sid.ir/paper/1090865/fa>

نوری زنونز، مهسا؛ اسماعیلی، فائزه؛ پاینده، عمادالدین (۱۴۰۱)، بررسی ابعاد مسئله اطلاعات، اخبار و محتوای خلاف واقع در فضای مجازی و ارائه پیش‌نویس قانونی، تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://sid.ir/paper/1048600/fa>

هدایتی، عزیز؛ زینی‌وند، یوسف؛ رسول‌زاده اقدم، صمد (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایل محور در زمینه تربیت دینی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز)، *دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز*، ۹ (۳۱)، ۴۵-۲۳.

هدایتی، زینی‌وند؛ رسول‌زاده اقدم، صمد (۲۰۱۶)، آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایل محور در زمینه تربیت دینی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز)، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۹ (۳۱)، ۴۵-۲۳.

هرسیج، حسین؛ ربیعی‌نیا، بهمن (دی و پاییز ۱۴۰۲)، الگوی شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی با تأکید بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی (مقاله علمی وزارت علوم)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۱۴۰۲ (۳) (پیاپی ۹۱).

زمینه‌های فرهنگی و ارتباطاتی فتنه پاییز ۱۴۰۱ با تأکید بر شکاف در جامعه‌پذیری، نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی (۲۰۲۳): ۳۰۵-۳۳۶.

عرفان‌منش، ایمان (۱۴۰۳)، *نگاشت راهبردی فضای مجازی: تجربه نگاری جهانی و چالش‌های حکمرانی*، تهران: میراث معنوی.

فلیک، اووه؛ کاردورف، ارنست فون؛ اشتاینکه، اینس؛ جنر، برایان؛ محمدی تلوار، ستار (۱۳۹۷)، *راهنمای روش تحقیق کیفی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

قربان‌زاده سوار، قربانعلی (۱۳۹۸)، پیامدهای شکاف دیجیتال بر شکاف فرهنگی از منظر پدافند غیر عامل، *مجله مقابله با عملیات روانی*، ۷ (۳)، ۲۳-۴۴.

بررسی ابعاد مسئله اطلاعات، اخبار و محتوای خلاف واقع در فضای مجازی و ارائه پیش‌نویس قانونی، ۱۴۰۱، ۱۸۴۵۲، شورای عالی فضای مجازی.

معین، م (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: امیرکبیر.

مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۴۰۳)، ۲۲ فروردین، خطبه‌های نماز عید فطر [پایگاه اطلاع‌رسانی]، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=56031>

محسنیان، سیدعلی؛ قاسمی‌نژاد، عبدالرحیم (۱۴۰۲)، *بررسی لایحه*

فهرست منابع غیر فارسی

Fletcher, Michael. (2015). THE DIGITAL DIVIDE. *Hispanic Engineer*, (1).

Dictionary, O. E. (1989). *Oxford english dictionary*. Simpson, Ja & Weiner, Esc, 3.

Griswold, W. (2012). *Cultures and societies in a changing world*. Sage.

Dictionary, M. W. (2002). *Merriam-webster*. On-line at <http://www.mw.com/home.htm>, 8 (2), 23.

Rahman, T., & Jahan, I. (2020). The Role of Social Media Rumors in Social unrest of Bangladesh. *International Journal for Studies on Children, Women, Elderly and Disabled*, 11.

Corbin, J. M. (1998). The Corbin and Strauss chronic illness trajectory model: an update. *Research and Theory for Nursing*

Allcott, Hunt; Gentzkow, Matthew (2017): Social Media and Fake News in the 2016 Election. *In The Journal of Economic*.

Pherson, R. H., Mort Ranta, P., & Cannon, C. (2021).

Strategies for combating the scourge of digital disinformation. *International Journal of Intelligence and CounterIntelligence*, 34 (2), 316-341.

Masavah, V. M., & Turpin, M. (2024, May). Fake News in Developing Countries: Drivers, Mechanisms and Consequences. *In International Conference on Implications of Information and Digital Technologies for Development* (pp. 127-142). Cham: Springer Nature Switzerland.

Logan, R. K. (2010). *Understanding new media: extending Marshall McLuhan*. Peter Lang.

Kleinstreuer, C. (2017). *Two-phase flow: theory and applications*. Routledge.

Cheshire, C. (2007). Selective incentives and generalized information exchange. *Social Psychology Quarterly*, 70 (1), 82-100.

Tuomela, R. (2012). *A theory of social action* (Vol. 171). Springer Science & Business Media.

Aksan, N., Kısac, B., Aydın, M., & Demirbuken, S. (2009). Symbolic interaction theory. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 1 (1), 902-904.